

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ





# معنای جمهوری اسلامی

زیر نظر استاد محقق فیاض بخش

عنوان و نام پدیدآور:

معنای جمهوری اسلامی

مشخصات نشر:

به کوشش تحریریه موسسه جلوه نور علوی علیه السلام  
زیر نظر محمدتقی فیاض بخش.

مشخصات ظاهری:

تهران: فیض فرزانه، ۱۴۰۲.  
۱۰۲ ص.، ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.

شابک:

۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶-۳۷-۹

وضعیت فهرست نویسی:

فیا

یادداشت:

کتابنامه: ص. ۱۰۱ - ۱۰۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع:

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷

موضوع:

Iran -- History -- Islamic Revolution -- ۱۹۷۹

ولایت فقیه

Wilayat al-faqih

موضوع:

ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- رهبری

Iran -- History -- Islamic Revolution -- Leadership -- ۱۹۷۹

ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -

Iran -- History -- Islamic Republic -- ۱۹۷۹ -

فیاض بخش، محمد علی، ۱۳۶۲ -

شناسه افزوده:

موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی علیه السلام

شناسه افزوده:

DSR1553

رده بندی کنگره:

۹۵۵/۰۸۳

رده بندی دیویی:

۹۵۴۰۹۶۰

شماره کتابشناسی ملی:

فیا

اطلاعات رکورد کتابشناسی:

## معنای جمهوری اسلامی

زیر نظر استاد محمدتقی فیاض بخش

به کوشش: مسعود طوسی سعیدی، محمد علی فیاض بخش

ناشر: فیض فرزانه

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۷۹۶-۳۷-۹

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۹۷۴۷۵۰

برای اطلاع از دیگر محصولات موسسه، عدد ۱۰ را به

سامانه پیامکی ۰۲۱۳۳۹۸۷۹۹۰ پیامک کنید.

جلوه نور علوی

موسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۸۷۹۹۰

سایت: [www.jelveh.org](http://www.jelveh.org)

کلیه حقوق مادی و معنوی

این اثر متعلق به مؤسسه

جلوه نور علوی علیه السلام است.

## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۷
مقدمه.....	۱۱
یوم الله در قرآن.....	۱۹
هدف خلقت؛ سیر الی الله.....	۲۵
هدایت امام <small>علیه السلام</small> ؛ ضروری تحقق هدف خلقت.....	۳۲
سیاسی بودن؛ جزء لاینفک هدایت‌گری مقام ولایت.....	۳۵
ملاً قوم و نقش سیاسی و اجتماعی ایشان.....	۳۶
امر امامت و ولایت؛ نقطه کانونی کار سیاسی اولیای الهی <small>علیهم السلام</small> .....	۳۹
معنای بلند ولایت در فرهنگ اهل بیت <small>علیهم السلام</small> .....	۴۸
انقلاب اسلامی؛ امتداد هدایت‌گری ائمه هدی <small>علیهم السلام</small> .....	۵۶
اولاً؛ نهضت اسلامی؛ شأنی از سیر توحیدی شخص امام خمینی <small>رحمته الله علیه</small> .....	۵۸
ثانیاً؛ انقلاب اسلامی؛ نهضتی در امتداد امر هدایت ائمه هدی <small>علیهم السلام</small> .....	۶۰
انقلاب اسلامی و جامعه‌پردازی توحیدی.....	۶۳
امام؛ کانون و نمودار حرکت امت در مدارج توحیدی.....	۷۰
حزب الله و تشکیلات توحیدی امام.....	۷۲
روایت انقلاب اسلامی به مثابه سلوک جامعه.....	۷۵
هدف انقلاب؛ والاترین هدف.....	۷۸
مجاهدان انقلاب؛ برترین مجاهدان.....	۷۹
انقلاب از عمق جان.....	۷۹
صدور انقلاب؛ هدایت توحیدی.....	۸۱
لوازم حرکت انقلاب اسلامی به سوی اهداف توحیدی خویش.....	۸۲
صبر و استقامت.....	۸۲

۸۳	عزم و اراده .....
۸۴	مراقبه دائمی.....
۸۷	امیدواری به خداوند .....
۸۷	دشمن شناسی .....
۸۹	بصیرت و عمیق نگری دینی .....
۹۱	سخن پایانی: سطحی نگری و بسنده نمودن به ظواهر، تهدید اساسی انقلابیگری .....
۹۵	سطحی نگری در ولایت مداری .....
۱۰۱	منابع و مأخذ .....

## سخن ناشر

خدای بزرگ را شاکریم که ما را در زمانه‌ای قرار داد که توفیق درک نعمت نظامی الهی و حکومتی اسلامی نصیبمان شود. اگر توفیق مصاحبت با رسول اکرمش ﷺ یا ائمه هدی را پیدا نکردیم، ولی امکان درک یکی از برجسته‌ترین شاگردان مکتبش، عالمی ربانی و معلمی روحانی، حضرت امام خمینی رحمته‌الله و اصحاب و یاران گرانقدرش، به ویژه شهدای والامقام انقلاب اسلامی را پیدا کردیم. آری؛ جمهوری اسلامی نعمتی است که باید قدردان و شکرگذار آن بود و اگر در پاسداشت این نعمت کوتاهی کنیم، مؤاخذه‌ای سخت در پیشگاه الهی در انتظارمان خواهد بود؛ که هرچه نعمت ارجمندتر و گران‌سنگ‌تر، حساسیت الهی نسبت به آن بیشتر است: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»<sup>۱</sup>. ذیل این آیه شریفه از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که برای

---

۱. «سپس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد!» (التکاثیر، ۸).

خداوند کریم قبیح است که از انعامی که به خلایقش نموده سؤال کند؛ آنچه مردمان در روز قیامت درباره‌اش بازخواست می‌شوند، نه این نعمت‌های مادی دنیا، بلکه مهم‌ترین و برجسته‌ترین نعمت پروردگار یعنی همانا نعمت «هدایت» و «ولایت» است.<sup>۱</sup> در پرتو این نعمت است که سایر نعمت‌ها معنا پیدا می‌کنند و نعمت می‌شوند؛ که در غیر این صورت نعمت خواهند بود. اگر کسی حق این نعمت را ادا کند، درباره سایر نعمت‌ها از او سؤال نمی‌شود، اما اگر نعمت ولایت الهی را کفران کرده باشد، وای بر احوال او که برای ریز و درشت دیگر نعمت‌ها باید جواب پس دهد: ﴿وَقَفُّهُمْ إِيَّاهُمْ مَسْئُولُونَ﴾<sup>۲</sup>.

اگر نظام جمهوری اسلامی، نعمتی است در راستای نعمت هدایت و ولایت ائمه هدی علیهم‌السلام، پس جنس مواجهه ما با آن باید همانند مواجهه با نعمت ولایت باشد. بنا بر روایات، معیار ارزش‌گذاری انسان‌ها میزان معرفت و درایتی است که نسبت به مقام ولایت دارند.<sup>۳</sup> پس باید به کنه و معنا و حقیقت انقلاب شناختی عمیق و دقیق پیدا کرد. ملاک توفیق جوانان مؤمن و حزب‌اللهی در پیشبرد

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة علیهم‌السلام، ص ۸۱۷.

۲. «آنها را نگهدارید که باید بازپرسی شوند!» (الصفات، ۲۴).

۳. «الامام الباقر علیه‌السلام: يَا بُنَيَّ اعْرِفْ مَنَازِلَ السَّيِّعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ... إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابٍ لِعَلِيٍّ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِيٍّ وَقَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ» (معانی الاخبار للصدوق)، ص (۲۰۱).



آرمان‌های انقلاب، بسته به میزان معرفتی است که نسبت بدان پیدا می‌کنند. ایشان باید تحلیلی دقیق نسبت به ماهیت انقلاب پیدا کنند تا از یک سو مرتبه قداست و طهارت این موج عظیم برایشان روشن شود و به درستی از این امانت الهی پاسداری کنند و به نسل‌های بعد بسپارند و قدر و قیمت نعمتی را که در فضای آن تنفس می‌کنند و از برکات گوناگون آن بهره‌مندند بدانند و شکر آن را به خوبی به جا آورند؛ و از سوی دیگر، با شناخت دقیق ماهیت انقلاب، مسیر جریان حرکت و هدف والای آن را بشناسند؛ تا مبدا در اثر کج‌فهمی‌ها و تحلیل‌های نادرست، به بیراهه رود. باید بدانند که هرگز چنین موج عظیمی که همه توده‌های مستضعف عالم را به جنب و جوش درآورده، قابل قیاس با هیچ‌یک از انقلاب‌های مادی ملت‌های دیگر در طول تاریخ نیست و تنها باید آن را در پرتو تعالیم وحی و در نسبت با نهضت‌های انبیای الهی ﷺ و اهداف توحیدی آنان سنجید و درک نمود. باید بدانند که رمز ماندگاری هر نهضت به بلندای هدفی است که پویندگان آن در پی بنیانگذاران دنبال می‌کنند؛ اگر هدف امری مادی و پست باشد - ولو آب و رنگ انقلابی و احساسی به آن زده شود - دیر یا زود در لابلای گرفتاری‌هایی که طبیعی هر نهضتی است هضم می‌شود و جز تفاله‌ای بی‌ارزش از آن باقی نخواهد ماند؛ چنان‌که در انقلاب اکتبر روسیه تزاری و مائوئیسم

چینی شاهد بودیم و امام امت نیز قبل از فروپاشی شوروی در نامه تاریخی خود بدان اشاره فرمود.

مؤسسه فرهنگی هنری جلوه نور علوی، اهتمام خود را تبیین و ترویج مکتب تربیتی و سلوکی امام خمینی علیه السلام و علامه طباطبایی علیه السلام قرار داده است. ما برآنیم که این مکتب نه فقط به تربیت فردی اهتمام دارد، بلکه مبانی اجتماعی آن می‌تواند به خوبی پایه‌های نهضتی را که امام امت علیه السلام بنا نمود از بعد سلوک جمعی تبیین نماید و ماهیت انقلاب و اهداف آن را بر اساس اصول متقن برهانی و قرآنی برای نسل‌های آینده روشن کند.

آنچه پیش روست تلاشی در این راستاست که به اختصار انقلاب اسلامی را از ابعاد سلوکی مورد واکاوی قرار داده و به تبیین ماهیت و هدفی که امام امت و رهبر معظم انقلاب به دنبال آن بوده و هستند پرداخته است. این اولین گام در مسیری طولانی است که باید پیموده شود. درباره نسبت سلوک با انقلاب اسلامی و وظایف و نقش سالک نسبت به جامعه و نظام اسلامی حرف‌های بسیاری وجود دارد که هنوز گفته نشده. امیدواریم اهل فکر و دغدغه‌مندان ما را در این راه یاری داده از نظرات و انتقادات دلسوزانه خود بهره‌مند سازند.

مؤسسه جلوه نور علوی

دهه فجر ۱۴۰۲

## مقدمه

انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران با سایر رخدادهای کوچک و بزرگ و دستگاه‌های سیاسی متنوع در تاریخ معاصر جهان وجوه اشتراک و افتراق مختلفی دارد. این وجوه زمینه شناخت این رخداد عظیم اسلامی و این نظام اسلامی سیاسی را فراهم می‌آورد. زمینه‌ای که در طول دهه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ماده پژوهشی مورد نیاز بسیاری از محققان داخلی و بین‌المللی را مهیا کرده و تا به امروز دیدگاه‌ها و نظریه‌های متنوعی درباره ابعاد مختلف آن رخداد عظیم و نظام سیاسی برآمده از آن مطرح گردیده است.

این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها علی‌الاصول می‌بایست متکفل تبیین حقیقت و گوهر آن انقلاب و این نظام سیاسی باشند؛ کما اینکه بسیاری از آن‌ها مدعی همین مهم‌اند. در عین حال در میان این دیدگاه‌ها اختلاف نظرهایی اساسی وجود دارد که البته مقتضی طبیعت عمیق و پیچیده انقلاب و نظام اسلامی است و تضارب میان آن‌ها - چنانچه به

درستی انجام شود- می‌تواند بسیاری از موانع را از سر راه درک حقیقت راستین نهضت امام خمینی علیه السلام بردارد. به عنوان مثال، برخی بر جنبه مردمی و مردم‌سالارانه انقلاب و نظام اسلامی اصرار دارند و برخی دیگر بر جنبه ساختاری- قانونی و در رأس آن ولایت مطلقه فقیه تأکید می‌ورزند. همین دوگانه جاافتاده را می‌توان مقدمه طرح دغدغه‌ای که منجر به نگارش این متن شده است قرار داد، هرچند یک مثال از میان بسیار است. در مجادلات مرتبط با دوگانه مذکور - که تقریباً چارچوب گفتارها و نزاع‌های سیاسی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز را مشخص می‌کند- کدام طرف از عهده تبیین حقیقت اصلی انقلاب و نظام برمی‌آید؟ آیا حقیقت انقلاب و نظام اسلامی، پیوند آحاد و توده‌های مردم با یکدیگر و تبدیل شدن انقلاب و استقرار نظام سیاسی جدید به مطالبه عمومی بوده است؟ یا حقیقت آن نفی سلطه قدرت‌های استکباری و معماری ساختاری- قانونی نظام جمهوری اسلامی ایران است؟

واضح است که هیچکدام از این‌ها ماهیتاً این ظرفیت را ندارند که بتوانند مبین حقیقت انقلاب و نظام اسلامی باشند؛ بلکه چه بسا بتوان مدعی شد غلبه این دست مباحث بر محیط‌های فکری، متأثر از اندیشه‌های مادی رقم خورده است. این انقلاب و نظام، اگر -همچنان که در بیان رهبر عظیم‌الشان آن مطرح می‌شود- اسلامی و

الهی است، نه وجهه مردمی و نه ظواهر ساختاری و رسمی نظام، این ظرفیت را ندارند که بتوانند ماهیت حقیقی آن را آشکار کنند. این برداشت درست مانند این است که حقیقت نهضت اسلامی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به این سبب اسلامی بدانیم که مردمانی از شبه جزیره به اسلام عرضه شده او معتقد شدند و در محیط فرهنگی پیش آمده پس از نبی مکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در میان اقوام شبه جزیره و همسایگان آن، اعتقاداتی را محفوظ داشتند! یا اینکه عمل به ظواهر احکام اسلامی درباره ربا و صلوة و صوم و نکاح و جهاد را معادل با حقیقت اسلام بدانیم! به بیانی دیگر، حقیقت اسلام را به برخوردار شدن جوامع از اموری این جهانی نظیر مناسک فرهنگی، رفاه اقتصادی، امنیت اجتماعی، شوکت سیاسی یا قدرت بین المللی تقلیل دهیم.

اما اگر نه ساحت عمومی و مردمی و نه ساحت ساختاری و قانونی و نه هیچ امر این جهانی و ظاهری دیگری نمی تواند کاشف حقیقت انقلاب و نظام اسلامی باشد، پس حقیقت آن را باید از چه طریق بیابیم؟ باید توجه داشت که این مسئله بسیار خطیر است و باید نسبت به آن نهایت حساسیت را به خرج داد. عدم درک و تبیین صحیح حقیقت نهضت امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ منجر به ناتوانی در شکر و پاسداشت دهه ها - بلکه قریب به یک قرن - مجاهدت و ایثار علما و مردم می شود و خطر انحراف نهضت، انقلاب

و نظام را از مسیر راستینش جدی می‌کند. انحرافی که نهضت همه انبیا و اولیای الهی، از جمله نهضت نبی مکرم اسلام ﷺ را نیز تهدید می‌کرده و تحریف ادیان در طول تاریخ را باعث گردیده است. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در بیانی متناسب با همین دغدغه می‌فرماید:

«تعمق در وضعیتی که اسلام بعد از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله داشت، یک وضعی را که کاملاً مشابه و قرین وضع روحانیت مسیحی و کلیسای نیرومند آن می‌باشد، به ما نشان می‌دهد و در میان صحابه، همان آثار و علائمی مشاهده می‌شود که در روزهای نخستین ظهور کلیسا در روحانیت مسیحی مشاهده می‌شد. [...] وضعی مشابه وضع کلیسای بعد از مسیح، که در یادداشت‌های گذشته «حلول الوهیت در کلیسا» نامیده شده است و معنای حکومت علی الاطلاق و فرمانروایی بی‌قید و شرط را می‌دهد و کلیسا را به دین و دنیای مردم تسلط می‌بخشد، «دیکتاتوری به تمام معنا» در عالم اسلام نیز در نخستین روزهای پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله ابتدا در کرسی «خلافت» و پس از آن در جمعیت صحابه، ظهور کرد. [...] به این ترتیب حیات معنوی اسلام از مقام عالی و موقعیت واقعی خود تنزل نموده وارد مرحله اجتماع شد و در حصار ماده محصور گردید (به اصطلاح مصاحب دانشمند ما آقای «پرفسور کرین» الوهیت در اجتماع اسلامی یا در کرسی خلافت و حاشیه آن حلول نمود!). این پیشامد، اثر قهری (جبری) مداخله اجتهاد در احکام الهی بود

و ناگزیر به دنبال آن می‌آمد و ربطی به علم و جهل مسبین پایه‌گذاران اولی و طرفداران خلافت انتخابی نداشت و حقیقتاً نیز باید گفت: بسیاری از مردم آن روز و بلکه در اعصار بعدی، به نحوی که شاید و باید ماهیت آن را نمی‌دانستند و به عواقب شوم آن پی نبرده بودند.

چنان‌که می‌بینیم مخالفین خلافت انتخابی، که همان روز اول، به عنوان اعتراض از اکثریت جدا شده به نام «شیعه» شهرت یافتند، در آغاز امر بیش از چند تن نبودند، ولی در اواخر ایام خلافت، جمعیت قابل توجهی را تشکیل داده بودند.<sup>۱</sup> بنابراین موجودیت شیعه از آغاز با «حیات معنوی اسلام» پیوندی اساسی دارد و همین مهم یکی از منابع اصلی اقتدار انقلاب و نظام اسلامی ما، بلکه مهم‌ترین آن‌هاست. علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه در وصف وضع حکومتی پس از نبی مکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و در ادامه همان نقل قول قبل می‌گوید:

«این طریقه، طریقه اسلامی غیرقابل تغییر زمان نبی اکرم نبود، بلکه طریقه‌ای بود تقریباً و تا اندازه‌ای نزدیک به طریقه دموکراسی (و در عین حال طریقه دموکراسی کامل نیست، زیرا به اصول مسلم دموکراسی نیز چنان‌که مخفی نیست، قابل تطبیق نمی‌باشد) و از همین جهت است که اختلال‌هایی که منافی با استقامت و یکنواختی یک سنت اجتماعی پای برجاست بر آن مشاهده می‌شود؛ چنان‌که می‌بینیم چهار

۱. رسالت تشیع در دنیای امروز، ص ۶۷.

خلیفه نخستین با چهار شکل مختلف روی کار آمدند، و همچنین دو خلیفه اول تقریباً یک سیرت مخصوص و خلیفه سوم و چهارم هر کدام یک سیرت مخصوص به خود داشتند و همچنین «معاویه» به خلافت اسلامی از راه دیگری غیر از طرق «خلفای راشدین» تسلط یافت و پس از خود خلافت را بر پایه وراثت استوار ساخته و سپس به طور آشکار آن را به یک سلطنت استبدادی تبدیل کرد.

و نیز از همین جهت است که این حکومت اسلامی نوبنیاد، هم شکل امپراتوری های دیگر همزمان خود، مانند امپراتوری روم و ایران شد. [...] در اثر همین زیاده روی، بقیه مقاصد عالیه اسلام مربوط به تربیت و تکمیل و تهذیب مردم، تحت الشعاع قرار گرفت. البته نمی شود تردید داشت که یکی از دستورات مهم اسلام، مسئله «جهاد» است که وسیله مبارزه با شرک و در راه توسعه شعار توحید می باشد، ولی بدیهی است که روش اسلام «روش اسکندری» و «چنگیزی» نیست، اگر اسلام نسبت به مسلمین دستور «جهانگیری» داده، به همراه آن دستور «جهان داری» نیز داده است و از توضحات آیات کریمه قرآنی است که منظور اسلام از توسعه منطقه نفوذ، احیای کلمه حق و بسط عدل اجتماعی و تربیت معنوی مردم است نه تأسیس و تشکیل یک امپراتوری قیصری و کسرابی [...]»<sup>۱</sup> از سنت اسکندرها و چنگیزها تبعیت نکردن و نسبت به احیای کلمه حق و تربیت معنوی اهتمام داشتن، در شرایط

۱. رسالت تشیع در دنیای امروز، ص ۷۶.



عصر ما معنای محصلی دارد که می‌توان و باید آن را در بیانات رهبر معظم انقلاب جست‌وجو نمود. از جمله ایشان می‌فرماید:

«ما اگر چنانچه دنبال اقامه حکم الهی و دین الهی نباشیم، چرا اینجا هستیم؟! چرا بنده اینجا باشم؟! خب همانهایی که بودند - یا آنها یا امثال آنها- بیایند اداره کنند حکومت را. ما هستیم برای اینکه می‌خواهیم دین خدا را تحکیم کنیم؛ حاکمیت دین خدا باید تحقق پیدا کند؛ ما دنبال این هستیم؛ این است که اگر چنانچه کسی در راهش کشته شد، شهید در راه خداست؛ این است که مردم ما جوان‌هایشان را این جور سخاوتمندانه دادند و هنوز هم دارند می‌دهند؛ و الا اگر این نبود، خب رونق اقتصادی را دیگران و دیگران [انجام می‌دهند]؛ چرا بنده آخوند یا روحانی بیایم مشغول این کارها بشوم؟ می‌روم دنبال درس و بحث خودم؛ خب دیگران این کارها را می‌توانند بکنند و انجام می‌دهند؛ در دنیا هم دارند انجام می‌دهند. اگر بحث دین خدا و تحکیم دین خدا و حاکمیت الهی نباشد، بودن من و شما در اینجا اصلاً ضرورتی ندارد. پس این است: تحکیم اسلام.»<sup>۱</sup>

مسلم است که منظور از توسعه و تحکیم اسلام، بسنده نمودن به اجرای احکام ظاهری اسلام نیست و تاریخ اسلام نیز گواه است که در مواقعی خلفا و حکام جور اهتمام جدی به ترویج و تبلیغ احکام و مناسک ظاهری اسلام داشتند

۱. بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶.

و آن را پرده باطن چنگیزی و اسکندری خویش ساختند و انحرافات رنج‌آوری را بر جامعه اسلامی تحمیل نمودند. در مقابل، اخلاص و معنویت ناب حاضر در «یوم‌الله»‌های انقلاب و نظام اسلامی در سال‌های پس از آغاز نهضت امام خمینی علیه‌السلام، که گوهر نایاب عصر ما و میراث اصلی اهل بیت عصمت علیهم‌السلام است، نه فقط نزد مؤمنان و مسلمانان، بلکه برای متفکران معاصر غیرمسلمان نیز مشهود است.<sup>۱</sup> نورانیت حاضر در صحنه‌های مختلف پیش و هنگامه پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برای نسل‌هایی که آن ایام را درک کردند فراموش ناشدنی است. در سال‌های اخیر، نسل جدید هم آن حرارت معنوی را در حادثه شهادت حاج قاسم سلیمانی و انقلابی که در قلوب مؤمنین ایجاد کرد لمس نمود. این ایام‌الله جلوه‌ای از آن عظمت و قدرت معنوی است که تبیین حقیقت انقلاب و نظام اسلامی در گرو تبیین و فهم آن است؛ روزها و روزگاری که دست هدایت الله تبارک و تعالی در آن برای آحاد مؤمنین مشهود است. امام امت علیه‌السلام از همان آغاز حرکت نهضت، متوجه خطر

---

۱. به عنوان یک نمونه می‌توان به مقالاتی که فوکو، فیلسوف مشهور فرانسوی قرن بیستم، درباره مشاهدات مستقیم خود از انقلاب اسلامی نگاشته است ارجاع داد. ارجاع به فوکو در این متن، نه از این باب است که مدعای مورد نظر درباره حقیقت معنوی انقلاب اسلامی تأیید گردد؛ بلکه اشاره به یادداشت‌های او به این سبب است که بیان داریم حتی متفکری کاملاً مادی‌گرا و مدرن نیز در مواجهه مستقیم‌اش با حوادث تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی، رایحه معنوی و الهی آن را استشمام می‌نموده است.

انحراف انقلاب با تحلیل‌های نادرست بود و لذا پیوسته تلاش می‌کرد در تحلیل وقایع انقلاب اصطلاحات دینی و قرآنی را به‌کار ببرد و از واژه‌های غربی و غیردینی به‌شدت پرهیز می‌کرد؛ تا امت بدانند که مسیر انقلاب، مسیر نهضت‌های انبیای الهی علیهم‌السلام در طول تاریخ است. امام ۲۲ بهمن ۵۷ را یوم‌الله نامیدند. ظرافت به‌کار بردن چنین اصطلاح قرآنی از بزرگمردی که اشراف بر قرآن و بیانات اهل بیت علیهم‌السلام داشت، بار معنایی عمیقی بر انقلاب حمل می‌کند؛ چنان‌که مقام معظم رهبری نیز برخی ایام سرنوشت‌ساز در تاریخ انقلاب، همچون شهادت سردار سلیمانی را چنین نامیدند.

### یوم‌الله در قرآن

خداوند در آیات آغازین سوره مبارکه انبیاء اشاره به ماهیت نهضت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و نزول قرآن می‌نماید و اینکه هدف اصلی از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی، اخراج امت‌ها از ظلمت‌های گوناگون خودپرستی و هوامداری و باز کردن غل و زنجیرهایی است که شیاطین جنی و انسی به‌وسیله آن دو بر گردن انسان‌ها آویخته‌اند. مسیر این حرکت با برانگیختن فطرت توحیدی انسان‌ها به‌سوی توحید از طریق صراط مستقیم ولایت است؛ راهی که سراسر به نور خداوند مقتدر آمیخته است؛ خداوندی که عزت بی‌نهایت او سطوت قدرت‌های غیرالهی را - که سد راه توحیدند - با همه زرق و برق دروغین‌شان در هم می‌شکند و راه فلاح و